

یادداشت

تنفس هوای جان‌گیر بایزی

مهندس فرجی

● پاییز آخرین نفس‌هایش را در بی‌هوایی تهران بی‌گانه سپری می‌کند و کم‌کم جایش را به زمستان سردی می‌دهد که سال‌هاست چهره زیبایی از خود نمایان نکرده است. امسال اما هوای ایران بسان گردبادی هر لحظه چشمان پایتخت‌نشینان را مه‌آلود کرده است. راهکار اما مانند سال‌های دور تکراری بیش نیست. هوا سرد می‌شود. آلودگی بار می‌بندد و جتری می‌شود بر تهران. شور و غوغا به این می‌شود که این بار راهکاری جدید برای ریشه‌کن‌کردن آلودگی، روزها می‌گذرد، زمستان می‌آید و می‌رود با همان نسخه‌های پیچیده شده هر سال. همشریانی که در گریز بیماری‌های مزمن‌اند و با ازدحام آلودگی کوله‌بار سفر آخرت می‌بینند. با گرم‌شدن هوا هم دیگر حتی کلامی از آلودگی نیست، چه رسد به اینکه راهکاری برای پاییز پیشرو و آندیشیده شود. در روزهای گذشته آلاینده شاخص هوای پایتخت «ذرات معلق کمتر از ۲٫۵ میکرون» با میانگین ۱۵۱ بود؛ این یعنی وضعیت ناسالم برای همه گروه‌ها. آلاینده شاخص هوای در ساعات مختلف شبانه‌روز متغیر است؛ به‌طوری‌که در ارزیابی شاخص آلودگی تهران در روز از رتبه ششم تا چهارم پایین و بالا می‌شود. کارشناس سازمان هواشناسی معتقد است هر لحظه بر میزان آنباشت آلودگی در تهران افزوده می‌شود که هم‌زمان با ورود سامانه بارشی و وزش باد، عصر پنجشنبه تا جمعه‌شب به‌طور موقت پاک خواهد شد؛ زسرا به دلیل کاهش دما دوباره از روز شنبه با آنباشت آلاینده‌و و آلودگی دما در پایتخت مواجه هستیم. همین هفته گذشته بود که با وجود باران صبحگاهی در تهران، آلودگی هوا به حدی شدیدتر شد که آلوده‌ترین روز سال رقم خورد. شاخص ۱۶۷، آلوده‌ترین روز سال ۱۴۰۰ را رقم زد و وضعیت ۱۹ ایستگاه کیفیت هوای پایتخت قرمز شد. این اتفاق در شرایطی بود که تهران روز شلوغی را با بازگشایی رسمی مدارس تجربه کرد. در شرایطی که آلودگی به کف خیابان رسیده است، راهکاری برای گروه‌های حساس پیشنهاد می‌شود؛ مانند مصرف شیر و لبنات تا عاملی شود برای کاهش عوارض ناشی از آلودگی هوا. اما آیا کلسیم موجود در شیر می‌تواند دیواری باشد برای آلودگی‌ها و آلاینده‌هایی فلزات سنگین شناور در فضا؟ آنتی‌اکسیدان‌های موجود در میوه‌ها چگونه از بدن در برابر شرایط بحرانی آلودگی محافظت کنند. حال می‌خواهیم به راهکارهای کشورهای پیشرفته‌ای نگاه کنیم که در هوای شهر خود تنفس می‌کنند، ولی سردر ندارند، دچار تنگی نفس نمی‌شوند. می‌گویند اتومبیل‌هایی بخرد که به محیط زیست آسیب نمی‌رسانند یا مصرف سوخت پایینی دارند یا در سوخت‌های ترکیبی استفاده می‌کنند. پس با خرید چنین اتومبیل‌هایی دیگر هیچ جای نگرانی از بابت مصرف بالای سوخت و آلوده‌کردن جو زمین وجود نخواهد داشت. اما در ایران چند درصد از جامعه می‌توانند وسیله شخصی خود را به ماشین‌های هیبریدی تبدیل کنند؟ چند سالی است که کلمه مازوت زیاد به گوش می‌رسد؛ مازوت نوعی نفت کوره به شمار می‌آید که کیفیت پایین و ویسکوزیته بالایی دارد و در نیروگاه‌های حرارتی و موارد مشابه از آن استفاده می‌شود که در گذشته برای گرم‌کردن خانه‌ها در شوری مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ زیرا آنها تجهیزات لازم برای تبدیل مازوت به سایر محصولات پتروشیمی را نداشتند. مازوت و سایر سوخت‌ها زمانی که می‌شوند و همچنین هنگام تماس پوست با این مواد، وارد بدن می‌شوند یا اگر محل کار یا زندگی شما در نزدیکی کارخانه‌ها و نیروگاه‌هایی باشد که از این سوخت استفاده می‌کنند، مازوت و سایر سوخت‌ها وارد بدن می‌شوند. این ماده خطرناک شیمیایی در ایران همین بیخ گوش ما مورد مصرف کارخانه‌ها قرار می‌گیرد. با این وجود، باید توجه داشت که تعداد نیروگاه‌های فرسوده در ایران کم نیستند. می‌گویند در تهران تاکنون از مازوت استفاده نشده، اما قدمت بالای برخی از نیروگاه‌های تهران آلودگی به همراه دارد که باید برای این مهم فکری اساسی اتخاذ شود. زمان آن رسیده که خودمان دست به کار شویم و جانمان را در برابر آلودگی حفظ کنیم؛ شاید با رعایت موارد بسیار کودک اما نتیجه جمعی بسیار بزرگ.

خبر

کادر اداری در زمان تعطیلی فعالیت حضوری دانش‌آموزان فعال خواهند بود

● شرق: سخنگوی آموزش و پرورش شهر تهران از تعطیلی فعالیت حضوری دانش‌آموزان در روزهای چهارشنبه (۱۷ آذر) و پنجشنبه (۱۸ آذر) خبر داد. مسعود ثقفی، سخنگوی آموزش‌وپرورش شهر تهران، با اشاره به این خبر گفت: با توجه به مصوبه کارگروه اضطرار آلودگی هوای تهران، فعالیت حضوری دانش‌آموزان در روز چهارشنبه و پنجشنبه در تمام مدارس تعطیل اعلام می‌شود. او افزود: فعالیت‌های غیرحضوری دانش‌آموزان همچنان پابرجاست و کادر اداری مدارس هم برای مدیریت آموزش‌های غیرحضوری، در مدارس فعال خواهند بود و صرفاً فعالیت حضوری دانش‌آموزان در مدارس تعطیل اعلام می‌شود.

خبر

یادداشت

تنفس هوای جان‌گیر بایزی

مهندس فرجی

● پاییز آخرین نفس‌هایش را در بی‌هوایی تهران کـه برای حل چالش‌های تهران قرار بود فعالیت خود را آغاز کند، قرارگاه اجتماعی بود. علیرضا زاکانی در این مدت که به‌عنوان شهردار تهران فعالیت می‌کند، بیش از هر چالشی در تهران به دنبال تغییر چهره شهر است؛ آن‌هم با پاک‌سازی لکه‌هایی که به گفته خودش دامن شهر را ملوکوت کرده‌اند. او گفته است که آسیب‌هایی مانند معتدان متجاهر و کودکان کار که چهره شهر را در حوزه اجتماعی مخدوش کرده، تغییر خواهد کرد، ما به اینها و خانوادۀ آنها به گونه‌ای خدمت می‌کنیم که آنها را بسازیم و به جامعه برگردانیم؛ ما اقرار است چه اتفاقی در این حوزه بیفتد؟ قرارگاه اجتماعی چه ساختاری دارد؟ چه بودجه‌ای برای آن پیش‌بینی شده است. با وجود آنکه اولین جلسه قرارگاه اجتماعی در استانداری تهران برگزار شده است، فرماندهی این قرارگاه با استانداری است یا شهرداری؟

اعضای شورای شهر تهران هم چندان از جزئیات این قرارگاه اطلاعی ندارند. برخی از اعضای شورای شهر می‌گویند درباره این قرارگاه همان اندازه می‌دانند که شهردار در صحن شورای شهر توضیح داده‌اند. زمانی که فرمانده سپاه محمد رسول‌الله (ص) به شورای شهر تهران آمد، از ورود سپاه به حوزه آسیب‌های اجتماعی گفت و اینکه در هفته بسج به محله هرندی می‌رود، باز هم نه اعضای شورای شهر از این رزمایش اطلاعی داشتند و نه مشخص بود این فعالیت بسج در راستای اقدامات قرارگاه اجتماعی است یا خیر؟ علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای شهر تهران و عضو کمیسیون فرهنگی- اجتماعی شورای شهر که از اعضای نزدیک به زاکانی در شورا محسوب می‌شود، درباره این قرارگاه و اینکه آغاز فعالیت‌های بسجج در این محله از پنجم آذر ماه هم بخشی از فعالیت‌های قرارگاه اجتماعی است، می‌گوید: برای من هم این شفاف نیست، بسجج، سپاه، بهزیستی، کمیته امداد و ستاد اجرایی همه جزء قرارگاه هستند و کمک خواهند کرد؛ اما این نهاده‌ا از گذشته هم در این محله فعالیت می‌کردند. او وظیفی داشتند. قرارگاه شهید اسداللهی قرارگاهی است که در هرندی مربوط به سپاه تهران است و مدت‌هاست که دارد کار می‌کند. سپاه در این چهار سال کم برای این محله زحمت نکشیده است. او درباره اینکه بسیاری از اعضای شورای شهر تهران اطلاعی از ساختار قرارگاه اجتماعی ندارند هم می‌گوید: طرح‌های اولیه از سوی معاونت اجتماعی ارائه شده است. ما جلسات پیوسته‌ای با معاونت داریم و قرار است که طرح دقیق‌تر، عملیاتی و نهایی‌شده درخصوص آن اطلاع‌رسانی شود. نادعلی درباره جایگاه شهرداری تهران در قرارگاه و اینکه ریاست قرارگاه اجتماعی با استانداری است یا شهرداری تهران، هم توضیح می‌دهد: ریاست یک حرف است، محوریت یک حرف دیگر است. شاید این ماجرا ریاست‌بردار نباشد. البته این لفظی که من استفاده می‌کنم لفظ ذوقی است و حقوقی نیست. من معتقدم که میاندازی این کار با شهرداری تهران است. این را هم به این دلیل می‌گویم که معتقدم‌ترین مسئولی که کف شهر پهن شده، شهرداری تهران است. امکاناتش، از مناطق گرفته به نواحی و... و یک بحث دیگر تنوع خدماتش است. متأسفانه این محله‌ها به جهت خدمات شهری هم شرایط خیلی مناسبی ندارند. مخازن دو بار در روز نظافت می‌شود؛ اما بلافاصله تمام زباله‌ها از داخل محفظه‌های زباله توسط معتدان و کارتن‌خواب‌ها بیرون ریخته می‌شود، در این وضعیت خدما به این محله پیچیده‌تر و خاص‌تری است، من معتقدم میاندازی این اتفاق تنها به دست شهرداری تهران می‌تواند انجام شود. نادعلی به فلسفه شکل‌گیری قرارگاه اجتماعی هم اشاره می‌کند و می‌گوید: ماجرای قرارگاه اجتماعی از اینجا شکل گرفت که ما معتقدیم شهرداری به تنهایی نمی‌تواند بار همه آسیب‌ها را به دوش بکشد. در گذشته می‌گفتند شهرداری اصلا نباید باری را به دوش بکشد؛ اما الان می‌گویم شهرداری باید مشارکت کند که ما به‌تنهایی نمی‌تواند این بار را به دوش بکشد و دستگاه‌های دیگری بودند که در این زمینه وظیفه دارند. هر دستگاه دولتی یا غیردولتی، این‌جی‌وها و گروه‌های مردمی، همه آورده دارند و ما در این شکل قرارگاهی آورده‌های حاکمیتی را وارد می‌کنیم و قاعداً آن سازمانی که در حوزه شهری آورده بیشتری دارد، مدیریت شهری است.

قرارگاه اجتماعی که به گفته نادعلی قرار است به میاندازی شهرداری تهران فعالیت کند، تنها قرار نیست در هرندی فعالیت کند. پنج نقطه بحرانی در تهران وجود دارد که به گفته مدیران شهری برای همه آزاردهنده است؛

جامعه

شفاف‌سازی قرارگاه اجتماعی در شهرداری

فرمانده میدان کیست؟



مانند فرحزاد، خلانیر، اسلام‌آباد، خاک‌سفید و شوش و هرندی هم همچنان آسیب‌های گذشته‌شان را دارند. معاون شهرداری شهردار تهران می‌گوید: آمار معتدان متجاهر در چند سال گذشته تنها کم نشده؛ بلکه بیشتر هم شده است. در گذشته این آسیب‌ها را می‌توانستیم در نقاط خاصی ببینیم؛ اما درحال‌حاضر در نقاط زیادی از شهر تکثیر شده و در جاهای مختلف شهر می‌توان این صحنه‌های نادرست را دید. نگاه شهردار تهران این است که باید با موضوع برخورد انسانی داشته باشیم و نمی‌خواهیم از واژه جمع‌آوری در این موضوع استفاده کنیم و تلاش‌مان بر این است که در سیاست‌های‌مان ساماندهی را مدنظر قرار دهیم. معاون شهردار تهران اضافه می‌کند: شاید مقدمه ساماندهی به جمع‌آوری نیاز داشته باشد؛ اما ما مخالف طرح‌های ضربتی هستیم که خودش آسیب‌زا باشد؛ یعنی یکباره تعداد زیادی از همشهری‌های‌مان را در یک سایت جمع کنیم که خود این تجمع باعث می‌شود که شاید رفتارهای‌مان دقت لازم را نداشته باشد و کار درستی را که می‌خواهیم، انجام ندهیم. ما یک سه‌ضلعی برای ساماندهی در نظر گرفتیم که یک ضلعش حتماً نهاده‌ا و دستگاه‌ها هستند که گفت‌وگوی اولیه را با دستگاه‌های دولتی و نهادهایی که با موظف با مشتاق‌اند، داشتیم؛ چون برخی از نهاده‌ا وظیفه ندارند، اما مشتاق و علاقمندند و برای خودشان تکلیف می‌دانند که وارد این صحنه شوند. توکلی‌زاده درباره نهادهایی که مشتاق حضور در موضوع آسیب‌های اجتماعی هستند، می‌گوید: کسانی که در نهادهای انقلابی هستند؛ مثل سپاه، بسیج، ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد علوی که هیچ‌ک وظایف قانونی‌شان نیست؛ ولی به واسطه وظایف اولیه را با تکلیف شهروندی که برای خودشان قائل هستند، پای کار آمدند و جلساتی با آنها داشتیم. یک‌سری جلسات با دستگاه‌ها داشتیم، دستگاه‌هایی را که در این حوزه موظف‌اند، دعوت به همکاری کردیم و این ضلع اول است. ضلع اصلی که وظیفه ذاتی خودمان می‌دانیم و خود را موظف می‌دانیم، تمام اجزای شهرداری را به کار بگیریم؛ مثل قضیه واکسیناسیون که شاید شهردار موظف به این نبود که در این حد در واکسیناسیون وارد شویم. ولی همه تجهیزات‌مان را پای کار واکسیناسیون آوردیم تا بتوانیم باری را از روی دوش شهروندان برداریم و در این حوزه هم همین است و سعی‌مان بر این است که همه اجزای شهرداری را در حوزه آسیب‌های اجتماعی به کمک بگیریم؛ مثلاً اگر سازمان ورزش ما بتواند حوزه وظایف خود را گسترش دهد و نسبت به گذشته فعال‌تر عمل کند، خود به خود به ما کمک کرده که روند رشد این آسیب‌ها کاهنده شود و از واژه برطرف‌کردن استفاده نمی‌کنیم. چون در نظفاتی داریم که از برطرف‌کردن استفاده کنیم؛ اما تلاش ما بر کاهنده‌کردن موضوع ساماندهی به مدیریت درآوردن آن است تا بتوانیم با یک نگاه انسانی هم‌وطنان و هم‌نوعان خودمان را در یک مسیر بهبود قرار دهیم. او یادآور می‌شود که این مسیر بهبود قیلا این بوده که در گرمخانه باشند و ما الان می‌گویم باید مراقبت و حمایت هم در کنارش داشته باشیم. در چرخه جدیدی بعدازظهر امروز در کمیسیون اجتماعی قرار است این برنامه را تحت عنوان قرارگاه اجتماعی ارائه دهیم. محمدامین توکلی‌زاده، معاون امور فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران، در پاسخ به این پرسش که چرا قرارگاه اجتماعی فعالیت‌هایش، ساختارش، بودجه‌اش، جایگاه شهرداری و... شفاف نیست، می‌گوید: شورای اجتماعی کشور که به ریاست رئیس‌جمهور رئیسی تشکیل شد، در آنجا تصمیمات خوبی برای آسیب‌های اجتماعی گرفته شد و بین دستگاه‌های مختلف نیز تقسیم کار شد. برای استان تهران هم تقسیم‌هایی تعریف شد و قرار بر این

شد که در درون خود استان هم این قرارگاه شکل بگیرد و این اتفاق هم افتاد. استاندار تهران هم جلسه اجتماعی شهر تهران را تشکیل دادند و تقسیم کار در استان تهران هم در خود آن جلسه مشخص شد. در آن جلسه به صورت صریح مسئولیت قرارگاه اجتماعی شهر تهران برعهده شهردار تهران گذاشته شد و به محوریت او جلسات قرارگاه اجتماعی تهران شروع به کار کرد که جلسه دوم آن نیز در شهرداری تهران برگزار شد. او با اشاره به اعضای این قرارگاه می‌گوید: اعضای قرارگاه اجتماعی کشور معلوم است و ساختاری قانونی و رسمی‌است. معادل و متناظر همان در تهران هم تشکیل می‌شود. در قرارگاه اجتماعی تهران نمایندگان از ناجا، بهزیستی تهران، سپاه و بسیج، ستاد مبارزه با مواد مخدر، دادگستری تهران و... حاضرند. همین اعضایی که طبق قانون برای‌شان در شورای اجتماعی کشور نیز وظیفه طراحی شده، معادل و متناظرشان نمایندگان‌شان در تهران هم شرکت می‌کنند. توکلی درباره بودجه‌ای که برای این مسئولیت پیش‌بینی شده، می‌گوید: اعتبارات هرکدام از اینها در هر مجموعه‌ای دیده شده است؛ اما وقتی کار جدیدی تعریف می‌شود، باید اعتبار معادل آن هم داده شود. ما در شهرداری تهران طرح‌مان منسجم شده است که تحویل شورای شهر تهران می‌دهیم و با کمک و همراهی شورای شهر تهران بتوانیم بودجه مورد نیاز را هم مصوب کنیم. معاون شهردار تهران در پاسخ به این پرسش که در این قرارگاه جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد کجاست، می‌گوید: حتماً یک ضلع کم ما سازمان‌های مردم‌نهاد هستند و خود همراهی مردم مشکلات اجتماعی حل‌شدنی نیستند. ما هم از آن‌جی‌وها، هم از گروه‌های جهادی و هم گروه‌های مختلف خبریه‌ای که وجود دارد، درخواست کمک داریم و با همراهی آنها این کار را جلو می‌بریم. توکلی‌زاده می‌گوید که هنوز سهم شهرداری تهران از جمع‌آوری و ساماندهی معتدان متجاهر مشخص نشده است. او می‌گوید که ظرفیت‌های خالی شناسایی شده و اینکه در مراکز شفافویی، بهزیستی، ناجا و... هم میزان ظرفیت خالی وجود دارد و چقدر این را رعایت پروتکل‌های بهداشتی نیستند. قابل افزایش است. او در نشست بررسی آسیب‌های اجتماعی تهران که با محوریت جمع‌آوری معتدان متجاهر آمار دقیقی از میزان مسئولیتی که شهرداری تهران پذیرفته، داده و گفته است که اقدام‌های خوبی در حوزه معتدان متجاهر انجام شده است و قرار بر این شد که جانیایی پنج هزار نفری سهم شهرداری تهران در جمع‌آوری معتدان متجاهر را پیش ببریم که در این زمینه از مرکز اخوان نیز بازدیدهایی داشتیم. معاون اجتماعی شهرداری تهران در پاسخ به این پرسش که آیا شهرداری تهران به حوزه درمان هم ورود پیدا می‌کند یا خیر، می‌گوید: بخش غربالگری با بهزیستی است و تقسیم‌کار شده و قرار نیست کسی جای دیگری بنشیند و مسئولیت غربالگری با بهزیستی است. ما تقسیم‌کار می‌کنیم. قرار نیست کسی جای دیگری بنشیند. توکلی‌زاده درباره اینکه بازدید رئیس‌جمهور از محله هرندی می‌می‌توان نظارت بر فعالیت‌های قرارگاه اجتماعی در تهران داشت یا نه، می‌گوید: حضور رئیس‌جمهور در محله هرندی بیانگر اهمیتی است که او برای این موضوع قائل است. بالاخره شورای اجتماعی از قبل هم وجود داشته؛ اما رئیس‌جمهور قبلی‌مان برای این موضوع وقت نمی‌گذاشت؛ اما حالا رئیس‌جمهور شخصاً برای این موضوع وقت می‌گذارد. هم شورای اجتماعی را تشکیل می‌دهد و در سطح ستادی و سیاست‌گذاری و راهبردی در تقسیم‌کار را انجام می‌دهد و هم به‌صورت فزرمز ما منطقه هرندی است که متاسب با بحرانی که آنجا وجود دارد، قرارگاه مختلف در آنجا شکل بگیرد. کار ما در قرارگاه این است که بتوانیم اینها را هم‌افزا کنیم؛ یعنی اگر جایی خلایی وجود دارد که دستگاه دیگر باید کمک کند، از آن دستگاه خواشش کنیم که به آنجا برود و آن خلا را برطرف کند و جایی که دارد موازی‌کاری می‌شود و انرژی و بودجه‌ای هدر می‌رود، جلوی آن را بگیریم. این کارهای قرارگاه است که فرماندهی میدان و ریاست این قرارگاه به شهردار تهران است.

دست چندم نیست بلکه توانمندی‌های سخت و نرم همراه ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. البته اگرچه جنگ هیچ‌ک اصلاً راحل خوبی نیست و کشورهایی درگیر جنگ همه مضمتر می‌شوند اما ایران هم دستش خیلی خالی نیست. همان جنگ تحمیلی هشت‌ساله هم که با بی‌عقلی صدام شروع شد و ادامه یافت که حتی سر خود را نیز در این راه احمقانه گذاشت و به دو کشور مسلمان خسارات جبران‌ناپذیری وارد کرد، برای چند قرن این منطقه بس است. منطقه بعد از سه جنگ تحمیلی و اول و دوم خلیج فارس در دهه ۹۰ و دهه بعد آن تحمل جنگ دیگری را ندارد اما این را هم باید در نظر داشت همان جنگ تحمیلی بر ایران نیز اگرچه روند توسعه سیاسی اجتماعی مردم ایران را تغییر داد اما ایران را نیز ناچارا

بر بیاید. با مثلاً اشغال مزارع شیعا در جنوب لبنان. خود لبنانی‌ها را باید تشویق کرد که با قدرتی که دارند، چه قدرت سخت، چه قدرت نرم، چه قدرت تأثیرگذاری، چه ازطریق جماعم بین‌المللی، از همه راه‌ا وارد شوند برای مخالفت و بازپس‌گیری حقوق خود. یعنی ما باید از همه ابزارهای مشروع استفاده کنیم تا در حقیقت اجماع‌سازی و پارگیری به‌وجود بیاوریم که این مبارزه را توجیه‌شده و هدفمند جلو ببر. ده اینکه خودمان بخواهیم یک‌تنه با یک روش بیشتر تحت‌افزارانه به گونه‌ای عمل کنیم که تمام بار این مبارزه به دوش ما باشد. مخصوصاً با مسائل و مشکلات و وضعیتی که الان جامعه و اقتصاد خود ما دارد. ولی به عقیده من این مسئله قابل برنامه‌ریزی است. من احساس می‌کنم مقداری به این مسئله کم بها داده‌ایم یا از این زاویه به این مسئله نگاه نکرده‌ایم. به عقیده من ضروری است یک بازنگری در نحوه یا رویکرد مبارزمان با رژیم صهیونیستی داشته باشیم. گذشته از سختی توجیه شروع جنگ برای افکار عمومی دنیا، اصولاً تصمیم به جنگ گزینه راحتی نیست بلکه ریسک چنین انتخابی بالا هم هست. آن هم به جنگ با ایران معادلات فراوانی به هم می‌خورد و آسیب‌پذیری‌های زیادی برای کشورهایی منطقه و فرامنطقه‌ای به وجود می‌آورد. اندازه سرزمین، قدرت نظامی، توان اقتصادی و تولیدی، میزان تولید و استفاده از قدرت‌های نرم (فرهنگ و دیپلماسی) در کنار حمایت مردمی، چسبندگی ملی و انسجام و مدیریت سیاسی از مؤلفه‌های قدرت ملی است. ایران شاخصه‌های خوبی از این قدرت دارد اما ضروری است روی سه مؤلفه اخیرالکر توجه بیشتری شود. این‌ها شامل:

خبر

بیانیه مجمع پزشکان درباره ظرفیت‌های پزشکی

● اعضای هیئت‌مدیره مجمع انجمن‌های گروه پزشکی ایران و رؤسا و دبیران انجمن‌های علمی گروه پزشکی، با صدور بیانیه‌ای، مصرانه خواهان توقف طرح افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان علوم پزشکی شدند. به گزارش اداره کل روابط‌عمومی سازمان نظام پزشکی در این بیانیه آمده است: «اخیراً جامعه پزشکی ایران ناباورانه شاهد رفتارها و اظهاراتی است که خطرانی جدی نه‌تنها برای سیستم سلامت کشور بلکه برای سطح دانش و فرهنگ در کشور محسوب می‌شوند. درحالی‌که جامعه پزشکی با پوست و گوشت خود بحرانی جدی در سیستم سلامت را شاهد است، اظهاراتی غیرکارشناسانه از برخی مراجع رسمی خواهان ریختن هیزم بر این آتش هستند. در شرایطی که مهاجرت پزشکان جوان و استادان گروه پزشکی در جست‌وجوی یک محیط کار آکادمیک روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود و تعداد زیادی از آنها که می‌مانند یا بی‌کار هستند یا با اشتغال به کارهای غیرضروری و بی‌ارتباط با سلامت امرار معاش می‌کنند. درحالی‌که گسترش بی‌رویه و خارج از استاندارد تعداد زیادی دانشکده پزشکی سطح آموزش پزشکی را پایین آورده است، به شکلی آشکار، عوام‌فریبانه خواهان افزایش صندلی‌های دانشکده پزشکی هستند. حال آنکه با تغییری در نگرش‌ها و فراهم‌آوردن امکانات شغلی مناسب و علمی در اقصانقاط کشور و کاشتن بذر امید در دل پزشکان جوان کشور می‌توان به جای افزایش ظرفیت‌ها با سبل مهاجرت مقابله کرد و برای همه مناطق کشور پزشک متخصص فراهم کرد. آن‌هم به تربیتی که کار در هر نقطه کشور را کار و وظیفه دائمی خود ببانند. طرحان و مدافعان بی‌اطلاع این طرح در مقابله با نظر یکپارچه جامعه پزشکی که تنها گروهی است که از نزدیک شاهد و ناظر اوضاع و امکانات بوده، می‌تواند آن را درک کند و نظر خود را بارها و بارها در بیانیه‌های انجمن‌های پزشکی، سازمان نظام پزشکی و مسئولان آموزش پزشکی کشور در مخالفت با این طرح بیان کرده است، با بسیار فراتر گذاشته، کلیت بنیادهای سلامت کشور را متهم به تضاد منافع می‌کنند (که مقصود منافع حقیبر در بازار کار است). چنین تهمتی به کلیت نهادهای سلامت کشور اگر پاسخ داده نشود، وضعیت خطرناکی پدید می‌آورد که تصمیماتی به‌مراتب مصیبت‌بارتری از افزایش ظرفیت‌ها را هم به دنبال خواهد داشت. این‌جانبان اعضای هیئت‌مدیره مجمع انجمن‌های گروه پزشکی ایران و رؤسا و دبیران انجمن‌های علمی گروه پزشکی، مصرانه خواهان توقف این طرح و توبیخ ناکارشناسانی هستیم که بدون اطلاع از مشکلات سلامت اندک توان باقی‌مانده کادر درمان را صرف مقابله با این طرح‌ها و چنین تهمت‌هایی می‌کنند؛ طرح‌هایی که در صورت مطرح‌شدن هم بهتر آن است که ابند از طریق دولت به‌عنوان لایحه به مجلس محترم ارائه شوند. هشدار می‌دهیم چنین برنامه‌ریزی‌های غیرعقلانه‌ای بحران سلامت را به وضعیتی غیرقابل بازگشت می‌رساند. باید از روزی ترسید که ناوگان آموزش پزشکی کشور که در پزشکان و استادانی صادق و فرهیخته تشکیل شده است (کسانی که علیرغم استخدام دولتی در سازمان صنفی خود هم سوگند پابندی به اخلاق و منافع بیماران خورده‌اند) چنین دستوراتی را مغایر سوگند خود تلقی کرده، از اجرای آنها به طور سراسری سر باز زنند.

پرستاران ایرانی جزء پرستاران ۱۰ کشور برتر دنیا

● شرق: رئیس هیئت‌مدیره نظام پرستاری استان تهران ضمن اشاره سختی به کار و مشکلات معیشتی پرستاران در کشور، اطمینان سایر کشورها به مهارت پرستاران ایرانی را مورد اشاره قرار داد و گفت: درحالی‌که حدود یک میلیارد تومان برای تربیت هر پرستار هزینه می‌شود، اما چون نمی‌توانیم یا نمی‌خواهیم استخدام کنیم، او را از دست می‌دهیم و دودستی تقدیم کشورهای دیگر می‌کنیم. دکتر آرمین زارعیان، رئیس هیئت‌مدیره نظام پرستاری استان تهران، در نشست خبری با خبرنگاران گفت: در حرفه پرستاری از دو سال گذشته به‌ویژه در ایام روزه با واسطه اینکه ماهیت این حرفه ایجاب می‌کند که مراقبت را کامل انجام دهند، نقش پرستاران بیش از گذشته پررنگ شد و ذات بیماری کرونا به گونه‌ای است که بیش از مراقبت‌های پرستاری ۲۴ ساعته جان بیمار را نجات می‌دهد. او با اشاره به افزایش مهاجرت پرستاران، تصریح کرد: در ایدمی کرونا مهاجرت پرستاران به شکل فزاینده افزایش یافت. بخشی از این ماجرا به این دلیل است که پرستاری به‌عنوان شغل حاکمیتی دیده نمی‌شود و این یعنی امنیت شغلی وجود ندارد و از طرفی کشورهای هستند که با کمترین هزینه می‌توانند پرستار به نیاز شدید به پرستار و اطمینانی که به مهارت پرستاران ما داشتند، آنها را جذب کردند. ما به لحاظ توانایی علمی و مهارتی و آموزش پرستاران خود جز ۱۰ کشور برتر دنیا هستیم و این امر را شورای بین‌المللی پرستاری اذعان کرده است و این انسان‌ها به درآمد مکفی و امنیت شغلی جذب سایر کشورها شدند.